گفتگوی ویژه

پای صحبت‌های هنرمند ایرانی مقیم پاریس، قاسم روزخوش

تلاشی که هرگز پایان ندارد...

چکامه بزرگمهر–پاریس

کوچه‌پس کوچه‌های نمناک پاریس، صدای سوت قطار، بوی قهوه کافه نبش کوچه پشتی، دختر چکمه‌پوشی با قدم‌های بلند، بوی رنگ و بوم، قلم‌مویی شکسته پشت شیشه گالری ادلر «Adler»...

امروز دوباره در پاریس، شهر هنر، روی سنگ فرش‌هایی قدم می‌گذارم که در تاریخی دور و شاید هم نه چندان دور، یا نقاشی از آنجا گذشته یا پسرکی عاشق شده... هر کوچه این شهر، سینه پر از اسرار هنرمندی است...

امروز باران می‌آید، آسمان دل گرفته پاریس دوباره اشک می‌ریزد و من با چکمه‌های همیشگی‌ام در کوچه‌های باریک Saint-Honoré می‌دوم، تا به vanité می‌رسم... vanité مترادف «پوچی» در زبان مادری ام است... گالری سیاه است، ویترین سیاه است، نورها هم سیاه هستند، فقط vanité به رنگ قرمز نوشته شده...

از نور و باران کوچه به درون سیاهی داخل می‌خزم... نور زرد چشمانم را میان آن همه رنگ بی رنگ سیاهی می‌زند، از

تابلویی به تابلوی دیگر پرواز می‌کنم، خود را درداخل پوچی این پرواز دیدم...

قاسم روزخوش ملقب به «گاس» متولد ۱۹۶۴ در موطن گل و بلبل سعدی شیرازی و بخت و اقبال حافظ است.

به سال ۵۷ برمی‌گردیم، شور انقلاب، میهن را برگرفته، در این میان پسرکی، بچگی‌هایش را تند تند بزرگ می‌کند، به سالهای شصت برمی گردیم، ایران زمین مورد هجوم بیگانه قرار گرفته، پسرک نوجوانی اش را در صندوقچه مادر بزرگ پنهان می‌کند، تفنگ برمی دارد و به جنگ نابرادران می‌رود.

جنگ تمام شد اما خصلت‌های آن با فرزندانش برای همیشه ماند، پیران رفتند، کودکان بزرگ شدند، نسل‌ها عوض شد، فصل مهاجرت آغاز شد و گاس از سال ۱۹۸۹ ساکن فرانسه شد.

تابلوهای رنگ و روغن گاس در فرانسه مشهور شده است، هنر آبستره‌ای که منحصر به رنگ‌های سفید و سیاه، جنگ برادری و نابرادری – قرمز و سیاه، رنگ خون و جنگ، پوچی یا زیستن – و ناگهان در میان همه این سیاهی و درد، رنگ زرد اوج می‌گیرد تا شاید زندگی به vanité بدمد....و این رنگ زرد، در تابلوی مسافران « Voyageur» به اوج می‌رسد.

امروز باز هم باران می‌آید، سنگ فرشهای کوچه پس کوچه‌ها را می‌شمارم، عقربه ساعت را می‌دوانم تا به کافه زیر کارگاهش برسم و گاس از قصه‌هایش برایم بگوید:

چرا «گاس» نقاش شد؟

– « نقاشی را در هشت سالگی شروع کردم، در پانزده سالگی شاهد انقلاب بودم، بعد جنگ ایران و عراق، مثل بقیه هموطن‌هایم هشت سال از این جنگ رنج بردم، مثل خیلی‌های دیگر در جنگ شرکت کردم، دوسال حتی در خط مقدم هم بودم، شاهد جان دادن رفقایم در جبهه‌ها بودم، نسل من هرگز بچگی نکرد، یکدفعه بزرگ شدیم. جنگ که تمام شد، در سن ۲۰ سالگی من جنگ را تجربه کرده و مرگ همرزم‌هایم را از نزدیک لمس کرده بودم، حافظه من پر شده بود از تصاویر بی‌رحمانه و پاک نشدنی. دید این جوان بیست ساله از جهان برای همیشه با تصاویری شوک برانگیز همراه شد که او را درهم شکست و تاثیر عمیقی بر هنر او برجای گذاشت. در سن بیست و دو سالگی وارد مدرسه هنرهای زیبا در شیرازشدم، و در سال ۱۹۸۹، تنها با یک بلیط یکسره به فرانسه در دستانم و روحی پر از انتظار، ایران را با علم به این که شاید هرگز دیگر نبینمش ترک کردم و حتی وقتی مادرم در سال ۲۰۰۳ و پدرم در سال ۲۰۰۹ از دنیا رفتند، نتوانستم حتی برای شرکت در مراسم تشییع جنازه آنها به ایران برگردم...»

چطور این نقاشی جایگاه امروز را پیدا کرد؟ پشت «گاس» چه کسانی بودند؟

– « نقاشی من، نقاشی است که در ایران به دنیا آمد، اما در فرانسه ابعاد بین المللی به خود گرفت. مثل تمام بچه‌های ایرونی که هرکدام به یک چیزی علاقه دارند، من هم از همان بچگی روی کاغذ، دفتر، دیوار و هر چیزی نقاشی می‌کردم، در هشت سالگی اولین تابلو نقاشی‌ام را که عکس بروسلی بود یک دلار فروختم، فقط به دو چیز علاقه زیادی داشتم: نقاشی و فوتبال. ولی به هرحال هرکسی در زندگی به یک سمتی حرکت می‌کند، من هم به هنر روی آوردم. البته مسیر زندگی هنرمند هم مهم هست، مسیر زندگی و رشد یک هنرمند، یک نویسنده، یک ژورنالیست یا یک سینماگر به خیلی چیزهای دیگر غیر از خودش، بستگی دارد، یک هنرمند بدون مخاطبش و یا بدون مقاله‌ای که یک روزنامه نگار راجع به او می‌نویسد و یا بدون تحلیل تماشاگر اصلاً نمی‌تواند یک هنرمند باشد، من هم از این مورد مستثنی نیستم، من سال‌ها از «گاس» متنفر بودم چون با یک نگاه بد یا یک بی محلی شکسته می‌شدم اما امروز «گاس» توانسته به جایی برسد که از خودش محافظت کند، سال‌ها باید بگذرد تا هنرمند خودش را بشناسه، امروز می‌توانم به خودم افتخار کنم چون نسبت به کشورم، مردمم و هنرم بی‌تفاوت نبودم، همیشه به خاطر آنها جنگیدم.

تابلوهای گاس، درعین آبستره بودن، برای من سمبل جنگ هستند، مثل آینه‌ای هستند که به راحتی، خشونت جنگ، دردهای انسانی حتی بعضی مسایل اجتماعی مثل مهاجرت را درآنها می‌بینیم، پشت این تابلوها چه قصه‌هایی بوده؟ چرا هنر «گاس» اینقدر تلخ و تیز و برنده است؟

– جنگ، خیلی از هموطن‌های من از این جنگ رنج بردند، خوب خیلی‌ها مستقیم با جنگ درارتباط بودند، همه به شکلی تحت تاثیر آن قرار گرفتند، اما حتی آنهایی هم که توانستند قبل از شروع جنگ به خارج از کشور بروند به شکل دیگری این جنگ را تجربه کردند، نمی‌شود گفت که کی بیشتر یا کمتر تحت تاثیرقرار گرفت، همین مهاجرت و خارج شدن از کشور هم به شکل دیگری جنگ محسوب می‌شود، جنگی که می‌شود اسمش را جنگ هویت گذاشت، جنگی برای اینکه بگویی «من هستم»، تصمیم می‌گیری به جایی بیایی که کشور خودت نیست، فرهنگ تو نیست، زبان خودت نیست، حالا در این موقعیت جدید باید بجنگی تا دیده بشوی... به هرحال من چهارده ساله بودم که جنگ شروع شد و دبیرستان را تمام کردم و رفتم خدمت، یادم می‌آید که ۷۲ روز به خط مقدم جبهه رفتیم، شرایطی بود که همه ایرانی‌ها، فرقی نمی‌کرد که به چه زبانی حرف بزنند یا چه مسلکی داشته باشد، همه تحت تاثیر قرار گرفتند و نگران کشورشان بودند، شاید بشود گفت خلاف امروز که بسیاری از هموطن‌ها از همدیگر دور شده اند، آن روزها همه با هم بودند، در کنار هم بودند به خاطر حفظ کشور. دردهای آن روزها روی دل همه ما ایرانی‌ها مانده و هنوز سنگینی می‌کند، چه داخل کشور چه خارج کشور. جنگ هم تمام شد، من وارد دانشگاه هنر شدم و چهار سال بعد به فرانسه آمدم، وارد یک دنیای جدید شدم و یک جنگ جدید شروع شد. اینجا دنیای جدیدی بود که از لحاظ رنگ‌ها خیلی با ما فرق داشت، ایران مخصوصا دوران انقلاب و بعد هم جنگ، بیشتر رنگ خاک بود، هر روز پانصد تا، ششصد تا شهید می‌آوردند، همه جا بوی خاک و خون می‌آمد، سیزده چهارده سالگی ما هنوز بچه بودیم بعد یکدفعه همه چیز تغییر کرد، وقتی این همه صحنه‌های خشونت و درد را می‌بینی دیگه بزرگ شدی، بچه نیستی، وقتی نسل خودم را نگاه می‌کنم می‌بینم نسلی بود که به یک شکلی از بین رفتند، حتی آرزوها و یا زندگی‌های شخصی‌شان از بین رفت اما باعث شدند که ایران تجزیه نشود، سرپا بماند. حالا من با این پیشینه به فرانسه آمدم و خودم را بین این همه رنگ می‌دیدم. همه این‌ها باعث شد که نگاهم به زندگی عوض شود، حتی نگاه هنری‌ام عوض بشود. ناخودآگاه نقاشی‌ها هم تحت تأثیر آن شرایط قرار می‌گرفت مثل یک لوکوموتیوی است که بعضی از واگن‌هایش نا پیدا است، نمی‌خواهی اما به دنبالت می‌آید.

بعد کم کم آنالیز مردم و جامعه هم تغییر می‌کند، یک ژورنالیستی می‌گفت که یک زمانی در اینجا ایرانی بودن جرم بود ولی امروزه خیلی هم جذاب است. به هرحال نقاشی من هیچوقت تابع مد روز نبود، حتی همین سنگینی آن باعث می‌شد مردم حتی کسانی که هنر آبستره را دوست داشتند، خسته بشوند، برادر من «گلان» نقش بسیار مهمی در موفقیت امروز من داشت، گاهی فکر می‌کنم که تمام وقت و زندگی‌اش را روی معرفی هنر من گذاشت، همانطور که قبل هم اشاره کردم خیلی‌ها در بزرگ شدن یک هنر و هنرمند نقش دارند، به همین دلیل دوست ندارم بگویم من، در واقع ما هستیم، جمله معروفی هست که: «تو از دل آنالیز و تحلیل دیگران خلق می‌شوی»، «گاس» از درون نقد ژورنالیست‌ها بیرون آمده، از درون برداشت‌های تماشاگران تابلوهایش بیرون آمده، هنر من نبوده، هنرهمه ما است، هرکسی با روش خودش این هنر را تحلیل و معرفی کرده.

سال‌های نخست مهاجرت خیلی سخت بود، ویترین مغازه‌ها را برای نوئل نقاشی می‌کردم تا بتوانم با درآمد آن، وسایل نقاشی تهیه کنم، امروز به همه می‌گویم که از کاری که می‌کنم لذت می‌برم، عاشق این هنر هستم اما رسیدن به همه اینها ساده نبوده، روزهایی بود که برای خریدن لباس برای رفتن به قرار ملاقات کاری، مجبور شدم یخچال خانه‌ام را بفروشم، امروز هم از گفتن آن خجالت نمی‌کشم، ایرانی همیشه زحمت کشیده، رابرت حسین « Robert Hossein»، بازیگر و سینماگر معروف فرانسوی که اصلیتش به ایران برمی‌گردد، از زمانی که با فرهنگ ایرانی آشنا شده همه جا خود را ایرانی معرفی می‌کند و این موضوع را مایه افتخار خود می‌داند. نقاشی‌ها هم کم کم از سال ۱۹۹۸ به فروش رفتند و کلکسیونرهای مختلفی که کارهای مهمی داشتند به آثار من علاقه‌مند شدند.

اینکه چه کسی نقاشی را می‌خرد برای من مهم بود نه اینکه به چه قیمتی بفروشم. برای من مهم بود که این تابلو بعدا کجا می‌رود؟ همان سال‌ها گالری داری با ما تماس گرفت که می‌خواست نرخ تابلو را بسیار بالا ببرد، قبول نکردم گفتم قیمت کار من باید به مرور زمان و با زحمت بالا برود، ده هزارتا، بیست هزار تا، سی هزار تا.... به مرور زمان.... قیمت تابلو را ما نباید تعیین می‌کردیم، تابلوها با تماشاگر، با خریدار کم کم رشد کردند، آنها باید قیمت روی اثر می‌گذاشتند نه خود ما. من با کار مداوم، آثارم را بالا بردم و کلکسیونردارهای مهم آنها را کم‌کم شناختند و قیمت روی آنها گذاشتند و خریدند. ارزش یک هنرمند را تلاش مداوم، زحمت همیشگی، بازدیدکننده‌های نمایشگاه‌هایش، نوشته‌های ژورنالیست‌ها، خریدارها و.... تعیین می‌کند. امروز می‌توانم افتخار کنم که دیگران به من کمک کردند و همه ما با هم توانستیم به «گاس» امروز تبدیل بشویم و نکته مهم اینکه، این اتفاق در فرانسه افتاد؛ در کشور هنر و زیبایی... شناخته شدن در این کشور برای من مثل یک مبارزه بود.

من در تمام این سال‌ها در حال جنگیدن با خودم بودم و افتخار می‌کنم که امروز نتیجه آن تبدیل به یک ویترین زیبا و قشنگ برای ایران و همینطور هموطنانم شده، که باعث شد شکل دیگری هم از ایران یاد شود.

خیلی‌ها آرزو دارند که امروز جای «گاس» باشند، در بهترین آتلیه‌ها و گالری‌های دنیا کارهایشان به نمایش دربیاید، آثارشان به قیمت‌های گزاف خرید و فروش شود، مورد توجه افراد و چهره‌های معروف بین‌المللی قرار بگیرند، امروز که «گاس» به همه اینها دست یافته، دنبال چه چیزی است؟

– من امروز نقاشی نمی‌کنم که با آخرید مدل اتوموبیل رانندگی کنم، نه اصلاً.

یک بچه، یک بچه است حالا از یک مادر آفریقایی به دنیا آمده باشد یا ایرانی یا آمریکایی یا اروپایی؛ فرقی نمی‌کند، درد به دنیا آوردن این بچه برای همه مادرها یک درد بوده، اما نقش من هنرمند این است که جامعه را نسبت به این درد حساس کنم، در دنیای امروز، هنر وسیله‌ای است برای بیان کردن احساس‌ها. گاهی اوقات وقتی یک توریست ایرانی را در خیابان می‌بینم با وجود اینکه اصلا او را نمی‌شناسم اما وقتی می‌خندد من خوشحال می‌شوم، امروز «گاس» به دنبال دیدن آن لبخند و رضایت مردمش است. «گاس» از دیدن یک زن ایرانی که اشک می‌ریزد زجر می‌کشد، من امروز با تابلوها و هنرم دنبال بیشتر پول درآوردن نیستم، این تابلوها باید حساسیت مردم را نسبت به دردها بالا ببرد. این هنر باید یک تصویر عینی از احساسات ما باشد. هدف هنر برای من این است که از گذشته و حال سخن بگوید و مردم را تحت تاثیر همه این وقایع قرار دهد.

امروز به قول فرانسوی‌ها با چند بار بیشتر دیدن عکس «گاس» در روزنامه‌ها و تلویزیون یا بالاتر رفتن قیمت تابلوها، نه سردم می‌شود و نه گرم ni chaud ni froid، اینها دیگر ارزش به حساب نمی‌آیند. امروز همانطور که قبل هم اشاره کردم «گاس» می‌تواند به خودش افتخار کند اما رسیدن به این مرحله آسان نبوده، پشت هرکدام از این چین و چروک‌های صورت «گاس» داستانهای زیادی خوابیده. پیکاسو، از اول پیکاسو به دنیا نیامده، سال‌ها کار و کار کرده تا تبدیل به پیکاسو شده، چیزی که برای من مهم است این است که امروز اگر «گاس» موفق شده، می‌تواند به هموطن‌هایش هم اعتماد به نفس بدهد که همه ایرانی‌ها بااستعداد هستند و می‌توانند پیشرفت‌های بزرگی بکنند. چند سال پیش وقتی قرار شد در کارگاه پیکاسو، همانجایی که تابلوی عظیم گرنیکا را کشیده بود، نمایشگاهی از من گذاشته بشود، باور نمی‌کردم چون پیکاسو هنرمند بزرگی بود اما بالاخره انجام شد و انستیتوی فرانسه نوشت که تابلوهای «گاس» در کارگاهی که روزی پیکاسو در همانجا شاهکار گرنیکا را خلق کرده، به نمایش درآمده. از طرفی وقتی شرایط بسیار سختی را در زندگی پشت سر گذاشته باشی، نگاهت به زندگی و خواسته‌هایت از آن عوض می‌شود، به راحتی روی خیلی چیزها در زندگی خط می‌کشی. به همین دلیل آن چیزهایی که شاید برای خیلی‌ها آرزو باشد برای من مهم نیست، من اگر امروز به کار کردن ادامه می‌دهم به شکلی برای پدر و مادرم است، بیست و دو سال آنها را ندیدم و هر دویشان از این دنیا رفتند، وقتی پدرم مرد، من رنگ زرد را وارد تابلوهایم کردم، با این رنگ من به آنها زندگی و نور می‌رسانم. یا شبی که مادرم از دنیا رفت برایش شعری نوشتم که در کتاب هم چاپ شده، امروز حرف من داشتن شهامت است، باید جسور بود، باید این احساس شهامت را به مردم نشان داد. نقش هنر همین است.

کمی درباره پروژه آینده‌تان در میدان واندم پاریس صحبت کنیم:

– در سال آینده –۲۰۱۱– چهار مجسمه عظیم هفت متر و نیمی که وزن هرکدام تقریباً دو تن است در یکی از مهمترین میدان‌های شهر پاریس، میدان واندم Place Vendôme به مدت یک ماه به نمایش درخواهد آمد. لازم به توضیح است که برای نمایش دادن یک اثر در این میدان کمیته‌ای تشکیل می‌شود به نام کمیته واندوم Comité Vendôme که باید تایید وزارتخانه‌های مختلفی از جمله وزیر فرهنگ روی اثری باشد، این پروژه در سطح بین‌المللی عرضه خواهد شد، بعد از پاریس به لندن، ایتالیا، نیویورک، لوس آنجلس، آمریکای جنوبی، بعد به خاورمیانه، ابوظبی، شانگهای و.... خواهد رفت و در مهم‌ترین میدان‌های این شهرها به نمایش درمی آید.

این چهار مجسمه یکی از زیباترین مجموعه اثر «گاس» خواهد بود که سعی خواهد داشت تا در دنیا از احساسات سخن بگوید و مردم را تحت تاثیر قرار دهد. چهار اثر عبارتند از Janus به معنای انسان، Couple به مفهوم زوج، Ghass که نوع مجسمه شبیه به دو حرف S است که به شکل قلب در می‌آید و می‌تواند مفهوم دوستی و امید را با وجود تمام سختی‌های زندگی به انسانها نشان دهد، و اثر چهارم Phoenix یا همان سیمرغ نام دارد.

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره آثار «گاس» به سایت www.ghass.fr و برای دیدن نمایشگاه کنونی او در پاریس به سایت www.galerieadler.fr مراجعه کنید.

قدردانی رئیس دفتر رهبر انقلاب از مردم قم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی نمایشگاه بین‌المللی مخطوطات اسلامی رادرقم افتتاح کرد

رئیس دفتر رهبر انقلاب استقبال مردم شریف و قدرشناس قم از رهبر عزیز انقلاب را یک حماسه دانست و گفت: این استقبال واقعاً سبب تعجب بیگانگان شد و از مردم همیشه در صحنه قم به خاطر خلق این حماسه تشکر و قدردانی می‌کنم.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی در نمایشگاه بین‌المللی تصاویر مخطوطات اسلامی که درمؤسسه دارالحدیث قم افتتاح شد، افزود: همانطور که رهبر انقلاب نیز فرمودند قم، مردمان آن و علما و محدثین آن جایگاه والا و شایسته‌ای در فرهنگ تشیع داشته و وجود حضرت معصومه(س) به عنوان شمع و محور این شهر باعث شده است همگان به قمی‌ها غبطه بخورند.

محمدی گلپایگانی با بیان این‌که وجود حوزه علمیه و مراکز پژوهشی با برکتی همچون مؤسسه دارالحدیث موجب اهمیت بیشتر شهر قم شده است، گفت: نشر و گسترش فقه، اصول، کلام، تفسیر و حدیث با استفاده از زبان و ابزار روز دنیا موجب گسترش دین اسلام در جهان شده است.

وی ادامه داد: هم‌اکنون شاهد هستیم که یک موج رادیو در قم در اختیار مراکز اسلامی قرار گرفته است و معارف اسلامی را به تمام دنیا به خوبی منتقل می‌کند.

همچنین به گزارش دیگری از ایرنا، رئیس پژوهشگاه علوم حدیث دارالحدیث در ارتباط با این نمایشگاه با اشاره به اینکه مخطوطات اسلامی بخشی از تمدن اسلامی است، هدف از راه‌اندازی مرکز مخطوطات اسلامی را جمع‌آوری نسخه خطی اسلامی دانست.

حجت‌الاسلام مهدی مهریزی افزود: معاونت بین‌المللی دفتر رهبرانقلاب با راه‌اندازی مرکز بین‌المللی مخطوطات اسلامی به دنبال آن است که از نابودی این آثار گرانبها جلوگیری کند.

وی خاطرنشان کرد: در این نمایشگاه تصاویر بخشی از ۲۵ هزار تصویر نسخ خطی جمع‌آوری شده در موضوع‌های مختلف از جمله فلسفه اسلامی، طب، تاریخ و علوم اسلامی به نمایش درآمده است.

در این نمایشگاه از بزرگترین قرآن جهان و نهج‌البلاغه و زیباترین صحیفه سجادیه رونمایی شد.

این نمایشگاه تا پنجم آبانماه از ساعت ۱۵ الی ۲۰ برای بازدید علاقه‌مندان دایر است.

«طالقانی، آن پیر پاک ما» به بازار نشر می‌آید

غلامرضا امامی، نویسنده و مترجم حوزه علوم اجتماعی و سیاسی، نخستین جلد از مجموعه «چهره‌های ایرانی» را با عنوان «طالقانی، آن پیر پاک ما» در نوبت چاپ دارد. این کتاب به مجموعه یادها، خاطرات و تصاویری اختصاص دارد که «غلامرضا امامی» نویسنده این اثر از برخوردهای خود و سفرهایی که با آیت‌الله طالقانی داشته فراهم آورده است.

غلامرضا امامی در گفتگو با ایبنا، در این باره اظهار داشت: این آثار را بر اساس خاطرات مکتوبی که از سال‌های گذشته دارم، مانند پازلی در کنار یکدیگر قرار می‌دهم و به رشته تحریر درمی‌آورم. البته در این راه می‌کوشم آنچه دیده‌ام را صادقانه بیان کنم و قضاوت را برعهده خوانندگان بگذارم.

وی با اشاره به این که خواننده پس از مطالعه مجموعه تصویری از زمان، زادگاه و زندگی بزرگ‌مردان سرزمین ایران را در دل و دیده خود بازسازی می‌کند، افزود: کتاب «طالقانی، آن پیر پاک ما» به یاد یکصدمین سالگرد ولادت طالقانی از سوی نشر افق منتشر خواهد شد.

امامی نخستین خاطره دیدار خود با طالقانی را مربوط به شانزده سالگی خود و در حدود سال ۱۳۴۴ عنوان کرد که این بزرگ‌مرد تاریخ ایران به شهر مشهد مسافرت کرده بود.

وی گفت: پس از آن مدت‌ها گذشت و ما به تهران سفر کردیم و به دلیل نزدیکی منزلمان با محل اقامت این شخصیت سیاسی، دیدارهای من با ایشان افزایش یافت، حتی به دعوت وی سفری به همراه فرزندان ایشان به «گلیرد» روستای زادگاه طالقانی داشتم که حدود یک هفته طول کشید و خاطرات به یاد ماندنی را در ذهنم برجای گذاشت.

این مترجم مسلط به زبان‌های ایتالیایی و عربی با اشاره به این که در اغلب مطالب کتاب، بر شخصیت سیاسی آیت‌الله طالقانی تکیه شده است، درباره ویژگی‌های این کتاب تصریح کرد: این اثر رنگین‌کمانی از یادهاست که بر جنبه‌های انسانی، مهربانی و آزادگی این رادمرد بزرگ اختصاص دارد؛ یادهایی به آبی آسمان و سبزی جنگل. این نوشتار بیشتر بر ابعاد روابط فردی و اجتماعی طالقانی تاکید دارد، چرا که به گمانم طالقانی خورشیدی است که برای ابد، روزها و شب‌های ما را روشن می‌کند.

نویسنده کتاب «آی ابراهیم» با اشاره به این که در نظر دارد مجموعه «چهره‌های ایرانی» را تا ۱۰ جلد ادامه دهد، گفت: دومین جلد این مجموعه با نام «جلال آل قلم» به یادها، تصاویر و نامه‌هایی که از جلال آل‌احمد دارم، اختصاص دارد. همچنین جلدهای دیگر این مجموعه را «شریعتی؛ شاهد زمانه» و اثری درباره استاد محمدرضا حکیمی تشکیل می‌دهند.

وی توجه به برخی از چهره‌های غیر ایرانی را نیز از دیگر اقدامات خود در تکمیل این مجموعه خواند و توضیح داد: «بن‌بلا» نخستین رئیس‌جمهور الجزایر آزاد و «اومبرتو اکو» نویسنده شهیر ایتالیایی و خالق کتاب «به‌نام گل سرخ» از دیگر شخصیت‌های آثار این مجموعه‌اند.

پژوهشگر و نویسنده حوزه علوم اجتماعی و کتاب‌های سیاسی با اشاره به این که ترجمه‌اش از کتاب «لبخند بی‌لهجه» اثر فیروزه جزایری به زودی از سوی نشر هرمس منتشر خواهد شد، از به بازار آمدن ششمین چاپ «گفت و گوهای اوریانا فالاچی» توسط نشر افق خبر داد.

کیارستمی: با کمال میل دوست دارم در ایران فیلم بسازم

عباس کیارستمی در مورد ساخت فیلم سینمایی «کپی برابر اصل» در کشوری غیر از ایران، گفت: همیشه و با کمال میل دوست دارم که در کشورم ایران فیلم بسازم ولی در این چند ساله این امکان برایم کمتر فراهم بوده است.

به گزارش روابط عمومی جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی، فیلم سینمایی «کپی برابر اصل» Certified Copy به کارگردانی «عباس کیارستمی» با حضور این کارگردان ایرانی در بخش «ویترین» چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی در سالن بزرگ و مجلل قصر امارات در شهر ابوظبی در کشور امارات متحده عربی به نمایش درآمد و با استقبال خوب تماشاگران حاضر در جشنواره قرار گرفت.

در پایان نمایش این فیلم، «پیتر اسکارلت» مدیر اجرایی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی از عباس کیارستمی دعوت کرد تا به روی صحنه برود و به سؤالات تماشاگران پاسخ دهد.

عباس کیارستمی در ابتدای سخنانش در جواب سؤالی در مورد ساخت فیلم سینمایی «کپی برابر اصل» در کشوری غیر از ایران، گفت: همیشه و با کمال میل دوست دارم که در کشورم ایران فیلم بسازم ولی در این چند ساله این امکان برایم کمتر فراهم بوده است، این فیلم را در ایتالیا ساختم و فیلم جدیدم را نیز به

احتمال زیاد در ژاپن می‌سازم.

وی در ادامه در جواب سؤال دیگری در مورد دسترسی فیلمساز به واقعیت گفت: به تصور من دستیابی به واقعیت کار سختی است، به هر حال هر کسی روایت واقعیت و حقیقت را همان طوری که خودش می‌داند انجام می‌دهد.

کارگردان فیلم سینمایی «کپی برابر اصل» در مورد تأثیر عکاسی بر روی فیلمهایش گفت: نزدیک ۲۰ سال است که عکاسی می‌کنم و بدون شک این عکاسی تأثیر مثبتی بر روی همین فیلمم هم گذاشته است. عکاسی یک تمرین دائمی است ما فیلم را هر دو سال یکبار میسازیم اما عکاسی را هفته‌ای نیست که انجام ندهیم. نمیتوانیم که منکر تأثیر این هنر بر روی کارمان باشیم، عکاسی روی سینما یا سینما روی عکاسی.

«ما سه نفر» در لواسان

فیلمبرداری فیلم سینمایی «ما سه نفر» به کارگردانی مهرداد فرید در لوکیشنی در منطقه لواسان ادامه می‌یابد. در خلاصه داستان این فیلم آمده: داستان سه زن که به یک خودآگاهی مشترک می‌رسند.

افسانه بایگان، بهاره رهنما، الهه حصاری، جمشید هاشم‌پور، حمید گودرزی، رضا داودنژاد، ناصر سهرابی، سیامک اشعریون و بهنوش بختیاری بازیگران ما سه نفر هستند.

برگزاری کنسرت گروه غانم در تالار وحدت

کنسرت سیمین غانم از ۵ آبان به مدت سه روز ویژه بانوان در تالار وحدت برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، این گروه به سرپرستی سیمین غانم ساعت ۱۵ روزهای یادشده به اجرای برخی قطعات جدید و همچنین تعدادی از قطعات به یادماندنی چون «گل گلدون»، «آسمان آبی»، «قلک چشات» و «مرد من»، «پرنده» خواهد پرداخت.

در این کنسرت که با همکاری بنیاد خیریه فیروزنیا و بنیاد فرهنگی هنری رودکی تدارک دیده شده است فریبا جواهری (پیانو)، سارا احمدی (دف)، آزاده شمس (ویلن)، آرمینا حاجی جعفری (درامز) و سیمین غانم (به عنوان سرپرست و خواننده) گروه غانم را همراهی می‌کنند.

عواید حاصل از این برنامه برای حمایت از زنان بی‌سرپرست و نیازمند صرف خواهد شد.

انتشار کتاب «خاطرات سال‌های نجف»

کتاب خاطرات سال‌های نجف در دو جلد و مجموع ۵۰۰ صفحه به بازگویی خاطرات ۱۵ تن از شاگردان امام خمینی(س) که عمدتاً در سال‌های اقامت اجباری حضرت امام در نجف افتخار درک محضر ایشان را داشته‌اند می‌پردازد. این اثر بیست و هشتمین کتاب از مجموعه «یادها» است که توسط موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) منتشر می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران کتاب خاطرات سال‌های نجف که به کوشش گروه تاریخ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) تدوین شده است توسط موسسه چاپ و نشر عروج با شمارگان دوهزار نسخه منتشر شد.

کتاب خاطرات سال‌های نجف در دو جلد و مجموع ۵۰۰ صفحه به بازگویی خاطرات پانزده تن از شاگردان امام خمینی(س) می‌پردازد که عمدتاً در سال‌های اقامت اجباری حضرت امام در نجف افتخار درک محضر ایشان را داشته و گفتنی‌های جالب و شنیدنی را از آن دوران به خاطر سپرده‌اند. این اثر، بیست و هشتمین کتاب از مجموعه «یادها» است که توسط گروه تاریخ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) منتشر می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، گروه تاریخ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) با اعتقاد به پایه گذاری تاریخ نویسی انقلاب اسلامی بر دیده‌ها و شنیده‌های واقعی حاضران و ناظرانی که بار عظیم انقلاب را بر دوش کشیده‌اند و دشواری‌ها و ناملایمات جانفرسایی را در راه پیروزی آن بر جان خریده‌اند، ضبط و ثبت خاطرات این تاریخ سازان را در شمار برنامه‌های اصلی خود گنجانده و بر آن است تا پس از تنظیم و تدوین آنها، با رعایت اصول علمی و امانتداری و بدون هیچ گونه داوری، خیل عظیم مخاطبان را در حال و آینده از جزئیات این بخش از تاریخ ایران بهره‌مند کند.

در جلد اول حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمدحسن اختری از خاطرات خود از هجوم رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه آغاز کرده است و در خلال اظهارات خود به حوادث و فراز و نشیب‌های مبارزه در محل اقامت خود سمنان، قم و نهایتاً نجف اشاره می‌کند. حجت الاسلام و المسلمین سید اسدالله امامی میبدی نیز سرفصل‌هایی از زندگی چندساله امام در نجف را مورد توجه قرار داده که نحوه ورود امام به نجف، نمونه‌هایی از مراودات امام با سایر مراجع آنجا، آداب زیارت و دعای ایشان و... از آن جمله است.

آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی درباره نحوه ورود امام به عراق و استقبال از ایشان، ویژگی‌های علمی و درس ایشان و ابعاد مختلف شخصیت حضرت امام خاطراتی را نقل کرده است. آیت‌الله محمود قوچانی که ارتباط نزدیکی با امام داشته از مسائل مختلف بیت امام، شخصیت ایشان، نحوه تدریس، چگونگی وصول و هزینه وجوهات و برخی دیدارهای مهم امام سخن گفته و مراحل آماده‌سازی و انتشار تحریرالوسیله امام را توضیح داده است. آیت‌الله سیدمحمدباقر مصطفوی هر چند بسیار کوتاه سخن گفته، اما در لابلای آن سخنان نیز وجوهی از چهره و شخصیت امام قابل فهم و دریافت است.

حجت الاسلام و المسلمین هادی مقدس شنیدنی‌هایی از نحوه اداره حوزه نجف قبل از امام و مشکلات آن، رابطه مراجع با امام، شهریه و برخورد امام با مقامات عراقی به خاطر اخراج ایرانیان از آن کشور را نقل کرده است.

در جلد دوم نیز آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی از نحوه استقبال از امام در عراق، درس امام در نجف و ویژگی‌های آن، زیارت عتبات مقدسه، شهادت حاج آقا مصطفی و اخراج ایرانیان از عراق سخن گفته است.

حجت الاسلام و المسلمین سیدرضا برقعی در ارتباط با ویژگی‌های اخلاقی حضرت امام نظیر توجه به نظرات و پیشنهادات دوستان، توکل به خداوند و توجه به دوستان، توجه به وحدت مسلمین و نظر امام در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و سعدون شاکر در محضر امام اشاره کرده است.

آیت‌الله محمدرضا رحمت پس از بیان سابقه خانوادگی و چگونگی ورودش به حوزه علمیه قم، به بررسی شرایط حاکم بر این حوزه پس از فوت آیت‌الله العظمی بروجردی پرداخته و مسائلی نظیر جمع‌آوری هجده هزار امضا در حمایت از حضرت امام، چگونگی دستگیری شهیدهاشمی نژاد، هجرت به نجف اشرف، توزیع جزوه‌های حکومت اسلامی، ضبط درس‌های امام، سنت شکنی‌های امام در نجف، ممانعت امام از تبلیغ مرجعیت خود، ارتباط با گروه‌ها، خاطراتی از حاج آقا مصطفی خمینی، مقابله با حکومت بعثی عراق، چگونگی دستگیری در نجف، حرکت‌های مسلحانه، تشییع جنازه آیت‌الله سید مصطفی خمینی و مسائل پس از پیروزی انقلاب را بیان کرده است.

آیت‌الله سید محمد سجادی نیز به بیان ویژگی‌های علمی درس و اخلاقی حضرت امام و خاطراتی از حاج آقا مصطفی خمینی پرداخته است. حجت‌الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی پور نیز مطالبی در ارتباط با تشکیل روحانیت مبارز خارج از کشور، درگذشت دکتر علی شریعتی و پیام امام، شهادت حاج آقا مصطفی و اوج گیری انقلاب بیان کرده است. آقای محمد تقی متقی شنیدنی‌هایی از نحوه استقبال از امام در عراق و ویژگی‌های اخلاقی ایشان بیان داشته است. آیت‌الله هادی معرفت نیز به بیان ابعادی از شخصیت اخلاقی حضرت امام و ویژگی‌های علمی ایشان پرداخته است. حجت‌الاسلام و المسلمین موسوی و حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا ناصری نیز خاطراتی از موضع گیری‌ها و مسائل مبارزاتی بیان داشته‌اند.

این اثر دارای فهرست آیات و روایات و فهرست اشخاص و اعلام است که در مراجعه می‌تواند مورد استفاده محققین و علاقه‌مندان قرار گیرد.

جدول ۳۸۴۰

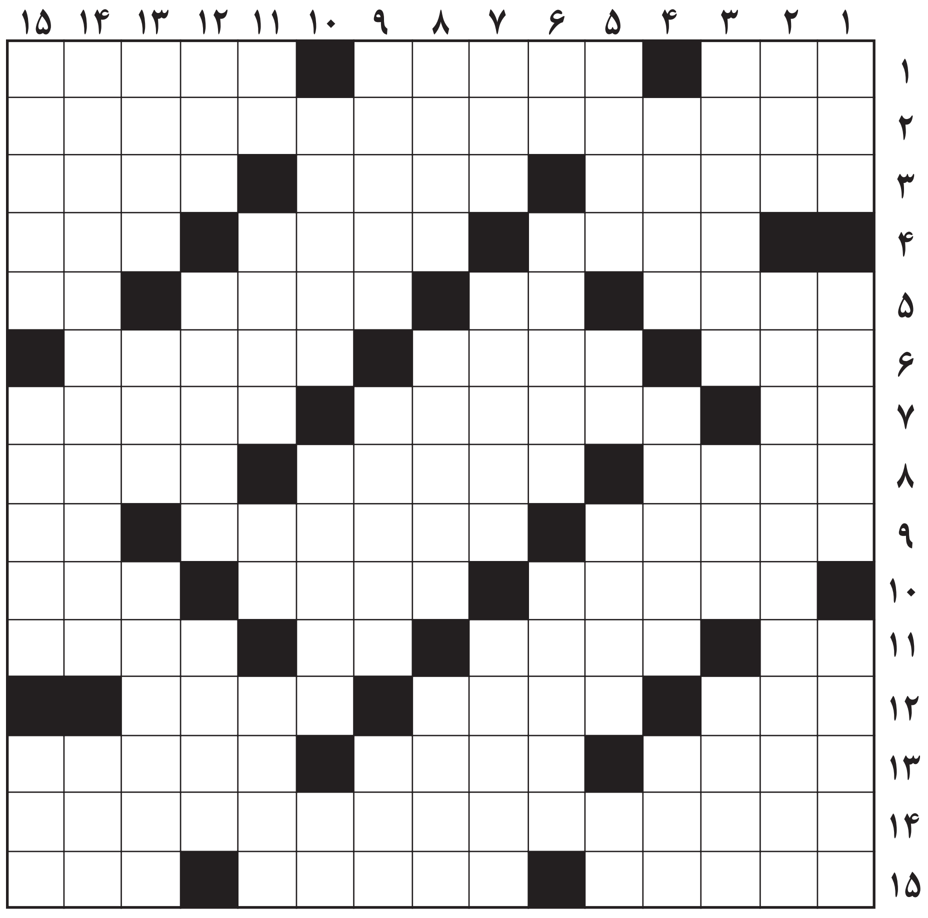

افقی:

۱ـ از ادوات پرسش ـ درخور، شایسته ـ جمع کلمه مکرمت ۲ـ نیمی از یک مثل که اشاره به تشریفات و تدارکات وسیع میزبان دارد ۳ـ هر دستگاه که کاری را انجام بدهد ـ اولین وسیله نوشتن برای نوآموز ـ رشته پیچیده شده دور چرخ ریسندگی ۴ـ دروغگو ـ پرگوی بی‌هنر ـ ریشه هلاکت ۵ـ شب آخر آذر ماه ـ عریان ـ نام قدیم تایلند ـ صدای ریزش دل ۶ـ بخشش، عطا ـ حریری که در روم بافته می‌شد ـ شدت بخشیدن ۷ـ صوت تعجب ـ شهر مقر حکومت در سرزمین ماتادورها ـ سازی در ارکسترهای مجلسی ۸ـ شخصی که پوست را به چرم فراوری کند ـ فلوت چوپانان ـ مظهر زیبایی زنانه در روم باستان ۹ـ شهری سیاحتی در اکراین ـ تونلی در مسیر چالوس به کرج ـ جامدار افسانه‌ای ۱۰ـ الیاف کوتاه پنبه ـ کتابی از داستایوفسکی ـ پسوند فاعلی ۱۱ـ درون و میان ـ حیله‌گر ـ پاسخ مثبت در شیراز ـ شهری در کردستان ۱۲ـ دوستی و علاقه ـ سیاه ـ خنک‌کننده فضاهای بسته ۱۳ـ شهری در شرق قزوین ـ خودنمایی ـ جنین ۱۴ـ دنباله مثل ردیف دوم افقی که خبر از تدارکات غذایی اندک میزبان می‌دهد ۱۵ـ وسیله‌ای در زورخانه ـ نقصان و کاستی ـ شهر بادگیرها

عمودی:

۱ـ امید و آرزو ـ اقلیت دینی کلیمی ـ تولیدی از عصاره آلو ۲ـ خیانت و غدر ـ کتابی از محمد عوفی بخارایی ادیب قرن هفتم هجری ۳ـ مکان مقدس برای زردشتیان ـ شیمی کربن ـ اشاره کردن ۴ـ اذیت کردن ـ غنیمت شمرده شده ـ تقویت‌کننده خاک زراعی ۵ـ شالوده ـ مار در گویش لری ـ تکیه دادن ـ پاسخ منفی ۶ـ عددی یک رقمی ـ از نفس افتادن ـ امتداد فیزیکی ۷ـ درد و رنج ـ شادباش گویی ـ روباه کوچولو ۸ـ تلاش بی‌ثمر ـ خبرگزاری کارگران ـ پول رایج در ارمنستان ۹ـ شهر مقدس هندوها ـ پیش درآمد کبکبه ـ بیماری پوستی ۱۰ـ نشان دادن راه درست ـ بوران برف و باد ـ جار و جنجال ۱۱ـ مایع مترشحه از بینی ـ کارگر کشتی تجارتی ـ سوزدل ـ سیاهرگ اصلی ۱۲ـ خوردنی دردناک ـ بدهکار ـ از اقوام ایرانی ۱۳ـ جمع کلمه دلیل ـ نمد زیر زین ـ هدایت‌کننده ارابه ۱۴ـ اثری از خواجه عبدالله انصاری ملقب به پیر هرات ـ رد پا ۱۵ـ اندیشمند ـ پایتخت کشور آفریقایی اریتره ـ پهلو و کنار

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ن	ظ	و	ر	■	ا	ش	ت	ر	ا	ک	■	و	ا
۲	ه	ی	ا	ه	و	ب	ر	ا	ی	ه	ی	چ	■	ی	س
۳	■	■	ه	ن	د	و	■	م	ت	ی	■	ل	و	ل	و
۴	ب	ب	ر	■	ک	ر	م	■	ا	ن	گ	■	ا	ی	ا
۵	ا	ی	■	ن	ی	ا	ک	ا	ن	■	ر	ا	د	ا	ن
۶	م	ژ	د	ه	■	ن	ا	ر	■	ت	ف	ه	ی	م	■
۷	د	ن	ا	ی	ت	■	ن	گ	ا	ش	ت	ن	■	م	خ
۸	ا	م	ل	■	و	ا	ی	■	ف	ت	ا	■	ا	و	ا
۹	د	ی	■	چ	ا	ی	ک	ا	ر	■	ر	و	ب	ر	و
۱۰	■	ر	ا	و	ن	ا	■	ب	ی	د	■	ز	ر	گ	ر
۱۱	ا	ب	ر	ن	گ	■	م	ا	د	ی	ا	ن	■	ا	ا
۱۲	ی	ا	س	■	ر	ق	ت	■	ن	ه	ج	■	س	ن	ن
۱۳	ن	ق	ی	ب	■	ر	ه	ا	■	ی	ا	غ	ی	■	■
۱۴	د	ر	■	د	م	ی	ت	ر	ی	م	ن	د	ل	ی	ف
۱۵	ه	ی	■	ل	ی	ن	ک	ل	ن	■	ب	ر	و	د	ت

حل جدول شماره ۳۸۳۹